

بررسی اکتشافی دلایل تأخیر در سن ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران

منصوره زارعان^۱

چکیده

سن ازدواج از دو سو قابل بررسی است. در یک سو بحث حداقل سن ازدواج مطرح است و در سوی دیگر افزایش سن ازدواج. مطالعات نشان می‌دهد پدیده تأخیر در ازدواج به منزله مسئله‌ای اجتماعی رو به افزایش است. پژوهش حاضر بر آن است که با رویکردی جامعه‌شناختی به بررسی عمیق‌تر دلایل افزایش سن ازدواج از دیدگاه دختران مجرد پیردازد و نظرات آنان را مورد تحلیل قرار دهد. روند پژوهش تحلیل محتوای کیفی و بر اساس گراندتئوری است که بر مبنای تحلیل پاسخ‌های شرکت‌کنندگان صورت می‌گیرد. جامعه نمونه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در مقاطع مختلف تحصیلی، می‌باشند که با رسیدن به اشباع نظری متوقف می‌گردند. اعتبار یافته‌ها از طریق دریافت نظرات برخی از پاسخگویان و گرفتن تأیید آن‌ها به دست می‌آید. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان زندگی مجردی را به دو گونه "مجردی آسیب‌زا" و "مجردی لذت‌بخش" تقسیم می‌کنند. علت به تأخیر انداختن زنان مجرد را می‌توان به دو مفهوم اصلی "مناسبت درونی" و "مناسبت بیرونی" محدود دانست. پاسخگویان "سادگی در ازدواج، قدرت درک متقابل در ازدواج، شجاعت برای اقدام ازدواج، مهارت اداره زندگی مستقل، حمایت خانواده نه دخالت در ازدواج و همگونگی فرهنگی" را در ازدواج به‌نگام مؤثر می‌دانند. کمتر پژوهشی مانند این پژوهش به اهمیت خود فرد در کنار اهمیت عوامل کلان اذعان دارند و پدیده تأخیر در سن ازدواج نه در حکم امری شخصی، بلکه به‌منزله مسئله‌ای اجتماعی نمود می‌دانند.

واژگان کلیدی: "امری شخصی"، "مسئله اجتماعی"، "تأخیر در ازدواج"، "مجردی آسیب‌زا" "مجردی لذت‌بخش".

مقدمه و بیان مسئله

با ورود جریان مدرنیته بسیاری از مسائل دستخوش تغییر شد. وضعیت تأهل نیز از دگرگونی‌ها مستثنا نبود اگرچه تعریف و نگرشی که در حال حاضر به خانواده وجود دارد با نگرش‌های نیم‌قرن پیش تفاوت زیادی دارد. در کشور ما ایران تغییرات زندگی خانوادگی محسوس است. بحران در خانواده ایرانی آن‌قدر جدّ و حیاتی است که تعجیل و اقدام جمعی برای حل آن ضروری است و همه باید دست در دست هم داده و با مشکل برخورد کنند (آزاد آرامشی، ۱۳۸۶ : ۱۱۴). مجرد ماندن برای برخی خوشایند و برای عده‌ای ناخوشایند است، به طوری که گزارش‌های متناقضی درباره مجرد زندگی کردن ارائه شده است. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که کسانی که زندگی متأهلی دارند سالم‌تر از کسانی هستند که تنها زندگی می‌کنند (کمپ داش و اما تو، ۲۰۰۵؛ لوکاس و دبی رن فورث، ۲۰۰۵؛ بینکورت، ۲۰۰۳؛ سونز و لیفبرور، ۲۰۰۸؛ و زینال زاده چینی بلاغ، ۱۳۹۴) از سویی مردها بیشتر از زنان احساس تنهایی می‌کنند (زنگ و هی وارد، ۲۰۰۱). اما همه کارشناسان با این ارزیابی موافق نیستند. بسیاری از فمینیست‌ها ازدواج را مانعی برای آزادی زنان دانسته و ازدواج را اساس مشکلات زنان می‌دانند. سوزان آنتونی^۱ ازدواج را مسئله‌ای یک‌جانبه می‌داند، به نحوی که مرد با ازدواج همه چیز را به دست می‌آورد و زن همه چیز را از دست می‌دهد (صادقی فسایی و همکاران، ۱۳۸۶). برخی دیگر از فمینیست‌ها خانه و خانواده را محل ظهور نابرابری‌های اجتماعی می‌دانند (صادقی فسایی و همکاران، ۱۳۸۶).

در سرتاسر تاریخ پژوهش‌های انجام‌گرفته با محوریت موضوع ازدواج، محققان کمتر به مجردها توجه کرده‌اند و ازدواج‌نکرده‌ها همگام با بیوه‌ها و مطلقه‌ها در یک گروه قرار داده شده‌اند (کورپکسی کاکس، ۲۰۰۵). بررسی سرشماری‌ها نشان می‌دهد روند سن ازدواج افزایش داشته است. طبق آخرین نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، در شهر تهران در گروه سنی ۱۵ تا ۳۹ سال ۱۰۶۲۰۵۹ مرد مجرد (شامل بی‌همسر به دلیل فوت، بی‌همسر به دلیل طلاق، و هرگز ازدواج‌نکرده) وجود دارد و ۷۸۹۲۵۲ مرد دارای همسر. این ارقام برای زنان ساکن تهران در همین گروه سنی عبارت است از ۸۴۳۷۹۵ زن مجرد (شامل بی‌همسر به دلیل فوت،

¹ Antiny



بی همسر به دلیل طلاق، و هرگز ازدواج نکرده) و ۱۰۴۳۶۰۶ زن که دارای همسر هستند. بررسی روند ازدواج در کشور از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ نشان‌گر کاهش این روند است (مرکز آمار ایران). این تأخیر پیامدهایی را برای جامعه همراه دارد. نکرمن^۱ در معایب تأخیر در ازدواج معتقد است که تأخیر ازدواج، با تأثیر در نمود فیزیکی و موارد دیگری را که به طور مستقیم با سن مربوط می‌شود، توانایی زن در ورود به این مرحله را کاهش می‌دهد. هم‌چنین در سنین بالا، زمینه ازدواج با مشکل روبرو می‌شود، به طوری که فرد یا با مجرد قطعی روبرو می‌شود و یا این که مجبور می‌شود با شریکی ضعیف، وارد زندگی شود. او هم‌چنین تأخیر در ازدواج را سبب افزایش فرزندان خارج از چارچوب ازدواج می‌داند (نکرمن، ۲۰۰۴: ۸۲). از سوی دیگر مجرد ماندن ممکن است به افزایش اضطراب‌ها و فشارهای عصبی و شیوع افسردگی، اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی بیانجامد و با سپری شدن دوران شاد زندگی انگیزه تشکیل خانواده کم و دخترانی را که به سنین بالا رسیده‌اند از دسترسی به تشکیل خانواده مأیوس کند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). سویت در سال ۲۰۰۱ نظریه‌ای را مطرح کرد که بر اساس آن فرزندان که در خانواده‌های مرفه زندگی می‌کنند و رشد پیدا کرده‌اند انگیزش و گرایش کمتری به ازدواج دارند. به اعتقاد او آنان تا زمانی که نتوانند هر آنچه را که معیار مناسب زندگی برایان‌ها فراهم کند ازدواج نمی‌کنند. هم‌چنین پایگاه بالاتر والدین باعث گرایش فرزندان به دستاوردهای بالاتر از لحاظ آموزشی و شغلی شده و از طرفی پایگاه مالی خانواده‌ها مانع می‌شود تا ازدواج افراد در سنین پایین‌تر صورت بگیرد (هکر^۲ ۲۰۰۶). بررسی وضعیت سن ازدواج در امریکا معتقدند که بی‌ثباتی بازار ازدواج سبب تقلیل یافتن قدرت انتخاب افراد شده است و در واقع به یک عدم توازن در تعداد انتخاب افراد از هر دو جنس منجر شده است. آنان می‌گویند در این بی‌ثباتی، زنان ممکن است: ۱- دیر ازدواج کنند و یا الا ازدواج نکنند. ۲- با مردان جوان‌تر از خود ازدواج کنند. ۳- با مردانی ازدواج کنند که قبل از این آن‌ها را برای ازدواج انتخاب نمی‌کردند (ساسمن^۳ و استین متز، ۲۰۱۳: ۶).

مرور مقالات نشان می‌دهد پدیده تأخیر در سن ازدواج به منزله مسئله‌ای اجتماعی نمود یافته است. جامعه و خانواده هنوز اهمیت زیادی برای ازدواج قائل‌اند تأثیرگذاری مستقیم عامل فرهنگی، بیش از سایر عوامل بوده است و از بین عوامل اقتصادی افزایش نابرابری دستمزد مردان

¹Neckerman

² Hacker

³ Sussman

و شکاف طبقاتی می‌تواند از عوامل اقتصادی باشد. (آقاسی و فلاح مین باشی، ۱۳۹۴؛ سفیری و شهانواز، ۱۳۹۴؛ رستگار خالد، رحیمی و عظیمی، ۱۳۹۴؛ کشاورز حداد و قدسی قاراب، ۱۳۹۳؛ فولادی، ۱۳۹۳؛ مهربانی، ۱۳۹۳) هست.

ضرورت و اهمیت پژوهش

ورود مدرنیته و تفکرات مدرنیسم در جامعه ایران، ازدواج، خانواده و تشکیل زندگی مشترک را تحت تأثیر قرار داده است. افزایش سن ازدواج و یا مجرد قطعی یکی از پدیده‌هایی است که به دنبال مدرنیته اتفاق افتاده است. بسیاری از جوانان به دلایلی همچون تحصیلات، دستیابی به شغل موردنظر و درآمد بالا از ازدواج بهنگام سرباز می‌زنند و با تأخیر در ازدواج روبرو هستند. تأخیر در سن ازدواج مسائل و مشکلات زیادی را برای فرد و جامعه ایجاد می‌کند. مسائلی همچون عدم جایگزینی نسلی، ناهنجاری در ارضای نیازهای جنسی، روابط خارج از چهارچوب ازدواج و ناراحتی‌های روحی - روانی مسائلی است که با تأخیر سن ازدواج اتفاق می‌افتد. دختران افزون بر مسائل فوق با مشکلات بیشتری روبرو هستند. آنان اغلب با بالا رفتن سنشان برای همیشه فرصت ازدواج را از دست می‌دهند و یا در برخی مواقع تن به ازدواج با مردانی می‌دهند که قبل از این هرگز آن ازدواج را نمی‌پذیرفتند. تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته است اما باور داریم که به‌واسطه تفاوت در دستاوردهای پژوهش‌های پیشین لازم است که مسئله گرایش به ازدواج از دیدی جامع موردسنجش واقع شود.

اهداف پژوهش

با توجه به نظریات و گزارش‌های متنوع در مورد زندگی مجردی، پژوهش حاضر بر آن است که با رویکردی جامعه‌شناختی و کیفی به بررسی عمیق‌تر زندگی مجردی زنان مجرد از دیدگاه خود آنان پردازد و نظرات آنان را مورد تحلیل قرار دهد. به این ترتیب، با پرهیز از تحمیل نظریه، پژوهش حاضر تلاش می‌کند با استفاده از رویکرد روشی گراند تئوری به دیدگاهی دست یابد که با واقعیات جامعه هماهنگ باشند.



پیشینه پژوهش

در ارتباط با بالا رفتن سن ازدواج دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، از جمله اولادپیو^۱ می‌گوید: پیمان ازدواج دیر هنگام در میان برخی از مردمان ارثی است (اولادپیو، ۲۰۱۱، ۳۶). سیمپسن^۲ (۲۰۱۵) اشاره می‌کند به خصوص برای زنان، زمان زیاد مجرد امری غیرعادی است. از دید سیمون^۳ (۱۹۸۶) در مطالعه پنجاه زن هرگز ازدواج نکرده، بسیاری از ایشان (۸۴ درصد) از وضع خود ناراضی نیستند اما از لحاظ احساسی و جسمی خسته و به لحاظ مالی نگران آینده خود می‌باشند، و به لحاظ اجتماعی منزوی هستند. فرگوسن^۴ (۲۰۰۰) در مطالعه خود بیان می‌کند که اطلاعات دموگرافیک نشان می‌دهد که نرخ ازدواج نکردن به طور قابل توجهی در گروه‌های نژادی و قومی افزایش یافته است. آصف^۵ و چابن^۶ (۲۰۱۳) نشان می‌دهند، ازدواج نکردن با قدرت تصمیم‌گیری در خانواده ارتباط دارد. به طور خلاصه مجموع این عوامل در گرایش دختران جوان به باقی ماندن بر زندگی مجردی مؤثر هستند.

آقاسی و فلاح مین باشی (۱۳۹۴) اشاره دارند در جامعه جوان ایرانی جوانان به دلایل مختلف از مبادرت به ازدواج دوری می‌کنند و پدیده تأخیر در سن ازدواج نه در حکم امری شخصی، بلکه به منزله مسئله‌ای اجتماعی نمود یافته است. یافته‌ها دیدگاه مثبت بیش‌تر جوانان به ضرورت امر ازدواج را تأیید می‌کنند؛ به‌رغم افزایش سن ازدواج، جوانان سن مطلوب ازدواج را برای خانم‌ها ۲۳/۲ و برای آقایان ۲۷/۶ بیان کرده‌اند.

سفیری و شهناز (۱۳۹۴) اشاره کرده‌اند با تغییرات اجتماعی اقتصادی رخ داده در دنیای مدرن، بسیاری از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تغییر شده‌اند. در این میان اما هنوز فشار هویت سنتی بر این دختران وجود دارد. جامعه و خانواده هنوز اهمیت زیادی برای ازدواج قائل‌اند و از دختران می‌خواهند که به مجرد خود خاتمه داده و ازدواج کنند. گرچه دختران نیز نقش‌های سنتی را کامل کنار نگذاشته و تمایل به ازدواج دارند. در کل دختران در تعریف و ساخت هویت خود در تعارض بین هویت سنتی و هویت مدرن هستند.

رستگار خالد، رحیمی و عظیمی (۱۳۹۴) دریافتند در دهه‌های اخیر، مسئله اجتماعی تأخیر سن ازدواج، ممکن است به بحران تبدیل شود و حیات جامعه را تهدید کند. بر اساس نتایج، عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بر مسئله دیررسی ازدواج تأثیر دارند که از این

¹ Oladipo

² Simpson

³ Simon

⁴ Ferguson

⁵ Assaf

⁶ Chaban

میان، تأثیرگذاری مستقیم عامل فرهنگی، بیش از سایر عوامل بوده است که به تبع آن، هویت خاصی در جامعه شکل گرفته که تأثیر بسزایی بر تحقق ازدواج جوانان دارد.

کشاوری حداد و قدسی قاراب (۱۳۹۳) دریافتند طبق مطالعات صورت گرفته افزایش نابرابری دستمزد مردان موجب شده است که زنان سطح دستمزد مورد انتظار از همسر آینده‌شان را افزایش دهند و برای یافتن همسر مناسب مدت‌زمان بیشتری صرف جستجو نمایند و نتیجه گرفته می‌شود که نابرابری دستمزد مردان موجب تأخیر در ازدواج زنان سنین ۲۰ تا ۳۰ سال می‌شود.

فولادی (۱۳۹۳) تشکیل خانواده از طریق ازدواج، ناهم‌زمانی وقوع بلوغ جنسی و عاطفی و بلوغ اجتماعی و اقتصادی را، که خود متأثر از مدرنیته است، عامل اصلی افزایش سن ازدواج می‌داند. او معتقد است، اضافه شدن شرط‌هایی همچون داشتن شغل، درآمد مناسب و برخورداری از تحصیلات عالی برای ازدواج و... دامنه سن ازدواج را در جامعه ما افزایش داده است. وی در این مقاله، به تحلیل جامعه‌شناختی عوامل فرهنگی افزایش سن ازدواج می‌پردازد. مهربانی (۱۳۹۳) نشان می‌دهند که پایین آمدن سن ازدواج می‌تواند یکی از عوارض کاهش شکاف طبقاتی (باثبات سایر شرایط) در جامعه باشد.

روش پژوهش

به‌منظور شفاف‌تر شدن ابهامات و تناقضات موجود در نظریه‌ها و گزارش‌های پژوهشی، در پژوهش حاضر از رویکرد روشی گراند‌تئوری بهره‌برداری شده است. ضمن مصاحبه با دختران مجرد، داده‌های کیفی مأخوذ از تجربه‌های زیسته آنان مورد تحلیل مقایسه‌ای قرار می‌گیرد تا زمینه فرضیه‌سازی با انطباق بیشتر بر واقعیات نمونه‌ها فراهم گردد (استراس و کوربین، ۳۱۲: ۱۹۹۸). لازم به ذکر است که بر اساس توضیحات جوپ^۱ (۲۰۰۶: ۳۳۳) روند پژوهش تحلیل محتوای کیفی است که بر مبنای تحلیل پاسخ‌های شرکت‌کنندگان صورت می‌گیرد. جامعه نمونه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در مقاطع مختلف تحصیلی، می‌باشند. حجم نمونه شامل تعداد ۱۱۲ نفر است که مصاحبه‌ها با رسیدن به اشباع نظری متوقف گردید.

¹ Jupp



ابزارها و فن‌های مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه نیمه استاندارد کتبی و بررسی اسنادی است. تحلیل داده‌ها به‌طور مداوم از طریق راهبرد "مقایسه تداومی" صورت می‌گیرد و تعیین مشابهت‌ها و تفاوت‌ها در داده‌ها، از طریق فن "یافتن عامل مشترک" به دست می‌آید. اعتبار یافته‌ها از طریق دریافت نظرات برخی از پاسخگویان و گرفتن تأیید آن‌ها به دست می‌آید. هم‌چنین از آنجاکه این پژوهش یک تحقیق کیفی است و به‌قصد تعمیم یافته‌ها صورت نمی‌پذیرد، پایایی هم در مورد این تحقیق مطرح نمی‌شود.

روند فرضیه‌سازی

روند فرضیه‌سازی طی چهار مرحله صورت گرفته است:

۱. کاربرد مدل در مصاحبه‌ها
۲. پاسخ به پرسش‌ها
۳. مرحله کدگذاری شامل سه بخش کدگذاری‌ها، ظهور مفاهیم، دریافت متغیرها
۴. تولید فرضیه.

مرحله اول - کاربرد مدل در مصاحبه‌ها: در این مرحله، با توجه به مدل الگویی رویکرد روشی نظریه‌گراندتئوری که مبتنی بر تعریف پدیده مجردی، شرایط علی، راهبردها و پیامدهای آن هست، پاسخ به پرسش‌ها دریافت گردیده است.

مرحله دوم - پاسخ به پرسش‌ها: در این مرحله، با توجه به مدل، پاسخ به پرسش‌های مذکور از دیدگاه خود پاسخگو، با استفاده از مصاحبه نیمه استاندارد و مصاحبه نیمه عمیق با دختران دانشجو دریافت گردیده است. شرکت‌کنندگان به پرسش‌ها در قالب یک مصاحبه کتبی با پرسش‌های باز پاسخ دادند.

مرحله سوم - کدگذاری: شامل سه بخش کدگذاری‌ها، ظهور مفاهیم، دریافت متغیرها؛ این مرحله، پاسخ به پرسش‌های مذکور بر اساس دیدگاه شرکت‌کنندگان تلخیص گردیده و زمینه ظهور مفاهیم را فراهم نموده است. پاسخ به بر اساس داده‌های کیفی متن مصاحبه‌ها، و برجسته بودن پاسخ‌ها، تفکیک و مقوله‌بندی شده است.

مرحله چهارم: در این مرحله، روند تولید فرضیه با در نظر گرفتن حضور و غیاب متغیرها به شرح زیر صورت می‌گیرد.

یافته‌ها

سیمای شرکت‌کنندگان

۲۰.۵ درصد از پاسخ‌گویان در رشته فنی مهندسی، ۲۶.۸ درصد در رشته علوم پایه، ۲۲.۳ در رشته علوم انسانی، ۶.۳ درصد در رشته هنر، ۲.۷ در رشته زبان و ۳.۶ درصد در پزشکی تحصیل می‌کنند و بقیه در سایر رشته‌ها مشغول به تحصیل هستند. شرکت‌کنندگان از شهرهای تهران، همدان، کرمان، اصفهان، خراسان، خوزستان، ایلام، چهارمحال بختیاری، کردستان، مازندران، گیلان، فارس، خراسان شمالی، سیستان بلوچستان، آذربایجان غربی، مرکزی، یزد، آذربایجان شرقی، زنجان، گلستان، قزوین و سایر کشورها بودند که خراسان رضوی بیشترین شرکت‌کننده را داشت. از این میان ۳۱.۳ درصد ساکن تهران بودند. تنها ۱۹.۸ درصد شاغل بودند. در جدول زیر سیمای شرکت‌کنندگان و ویژگی‌های ایشان به تفصیل نشان داده شده است:

جدول شماره ۱ - نیمرخ شرکت‌کنندگان

شرح	خصیصه
رشته تحصیلی	مد: علوم پایه
محل تولد	مد: خراسان رضوی
محل سکونت	مد: شهری دیگر غیر از تهران
سن	میانگین: ۲۶.۸ سال ۲۰ تا ۳۶ سال
وضعیت اشتغال	مد: ۷۹.۹ درصد بیکار و دانشجوی
سن پدر هنگام ازدواج	نما: ۲۵ سال
سن مادر هنگام ازدواج	نما: ۱۹ سال
سطح تحصیلات پدر	نما: کارشناسی (۳۹٪) میانگین: دیپلم
سطح تحصیلات مادر	نما: دیپلم (۳۱.۲٪) میانگین: سیکل
وضعیت اقتصادی	نما: متوسط (۷۵٪)
فرزند چندم	نما: فرزند دوم (۴۰٪)
شغل مادر	نما: خانه‌دار (۵۹.۸٪)
شغل پدر	نما: آزاد (۲۴.۷٪)



با توجه به مراحل چهارگانه روند فرضیه‌سازی کاربرد مدل در مصاحبه‌ها، پاسخ به پرسش‌ها، مرحله کدگذاری شامل سه بخش کدگذاری‌ها، ظهور مفاهیم، دریافت متغیرها و تولید فرضیه به شرح ذیل صورت می‌گیرد:

- پرسش اول: زندگی مجردی از دید زنان مجرد چگونه تعریف می‌شود؟
برای پاسخگویی به این پرسش، دیدگاه‌های ارائه‌شده مورد پرسش قرار گرفته است. گروهی زندگی مجردی را "موقتی، بی‌هدف، افسردگی آور، اضطراب آفرین، تنش‌زا همراه با احساس سر‌بار بودن و کمبود عاطفی" می‌دانند که این مجموعه تحت عنوان "مجردی آسیب‌زا" قرار گرفته‌اند. گروه دوم احساساتی نظیر "آزادی، استقلال، داشتن انگیزه کار و فعالیت، رضایت از زندگی، آرامش و موفقیت"، دارند که تحت عنوان "مجردی لذت‌بخش" مقوله‌بندی شده‌اند (جدول شماره ۲).

جدول ۲- تعریف زندگی مجردی در نگاه شرکت‌کنندگان

تعریف زندگی مجردی	
مجردی لذت‌بخش	مجردی آسیب‌زا
آزادی	موقت
استقلال	بی‌هدف
داشتن انگیزه کار و فعالیت	افسردگی آور
رضایت از زندگی	اضطراب آفرین
آرامش و موفقیت	تنش‌زا
	احساس سر‌بار بودن کمبود عاطفی

- پرسش دوم: زنان مجرد علت تأخیر ازدواج را تحت عنوان چه مسائلی بیان می‌کنند؟
با توجه به داده‌ها، علت به تأخیر انداختن زنان مجرد را می‌توان به دو مفهوم اصلی "مناسبت درونی" و "مناسبت بیرونی" محدود دانست. مناسبت درونی با مفاهیم جزئی "ایدئال‌گرایی، خودرأی، سخت‌پسندی، وسواس، بی‌ارادگی، بدبینی به اجتماع، ادامه تحصیل، ترس از رابطه جنسی، عدم تمایل به ازدواج، ترس، تجربه تلخ، عدم بلوغ فکری، عدم بلوغ عاطفی، نرسیدن به تفاهم، معاشرت‌های ناموفق، روابط محدود با جنس مخالف، بیماری و ظاهر" مرتبط است.

مناسبت بیرونی با مفاهیمی همچون "نبود خواستگار، اختلاف سلیقه، هزینه‌های اقتصادی، سختگیری خانواده، مشکلات فرهنگی، مسئولیت داشتن در خانواده، تأخیر انداختن ازدواج، دلایل مبهم، جایگاه اجتماعی خانواده، اعتیاد، زندان و فضای باز برای برآورده شدن نیاز جنسی مردان" به دست آمده است.

جدول ۳- علت تأخیر ازدواج

مفهوم اصلی	مفهوم جزئی	داده‌های کیفی در متن پاسخ‌ها
عاملیت (مناسبت درونی)	توقع	توقعات بالا، زیاده‌طلبی
	ایدنال‌گرایی	منتظر فرد ایدنال، معیارهای آرمانی، اینکه خواستگاران در شأن ایشان نیستند، حاضر نبودن به ازدواج با هرکسی، منتظر موقعیت بهتر بودن، رویابافی از معیارهای همسر آینده، ایدنال‌گرایی
	خودرایی	خودرایی، عدم تمایل به کارخانه، خودبرتربینی
	سخت پسندی	مشکل پسندی، اینکه باید انتخاب خاص داشته باشد، ایراد گرفتن بی دلیل از خواستگاران، سخت پسند
	وسواس	حساسیت در انتخاب، حساسیت بیش از حد، وسواس در انتخاب، رد خواستگاران به دلایلی، وسواس انتخاب، وسواس داشتن
	بی‌ارادگی	عدم اراده شخصی، عدم تربیت صحیح توسط خانواده و نظام آموزشی، وابستگی به مادر
	بدبینی به اجتماع	عدم اعتماد، عدم اطمینان به پسرهای امروزی، عدم اعتماد به خواستگاران، بدبینی به اجتماع، بی‌اعتمادی به جنس مخالف، گاهی مجردها به آسانی نمی‌توانند یک تکیه‌گاه مناسب انتخاب کنند
	ادامه تحصیل	تحصیل کردن، عدم ادامه تحصیل، میل به ادامه تحصیل، ادامه تحصیل
	ترس از رابطه جنسی	ترس از برقراری رابطه جنسی، شنیده‌های ترسناک از اولین رابطه، ترس از ازدواج
	عدم تمایل به ازدواج	خودش نخواست، خودش نخواست، وگرنه شرایط خاصی اداره، عدم تمایل به ازدواج، دوست ندارد ازدواج کند، عدم احساس نیاز، عدم تمایل به برقراری رابطه عاطفی با جنس مخالف
	ترس از آینده	ترس از آینده، نگرانی از عدم ازدواج مناسب
	تجربه تلخ	شکست عاطفی، تجربه تلخ گذشته
	عدم بلوغ فکری	عدم شناخت کافی از روحیه خود، عدم شناخت کافی از خود، بی‌عقلی، نرسیدن به بلوغ فکری در مورد ازدواج



عدم بلوغ عاطفی	بی‌عقلی، عدم بلوغ عاطفی، عدم رشد عقلی، نرسیدن به عدم درک متقابل
نرسیدن به تفاهم	عدم تفاهم کامل با خواستگار، عدم تفاهم بین دختر و پسر
معاشرت‌های ناموفق	دوستی‌های اشتباه زیاد قبل ازدواج، دوستی با پسری که قول ازدواج داده و هنوز به خواستگاری نیامده است، روابط نامشروع
روابط محدود با جنس مخالف	بی‌دلیل روابط محدود با آقایان، فرصت آشنایی با کسی را ندارم
بیماری	بیماری خاص، مریضی و بیماری، معلولیت احتمال، معلولیت با
ظاهر	نازیبایی، عدم تناسب اندام ایشان، چاق هستند
نبود خواستگار و موقعیت مناسب	نبود فرد مناسب، نداشتن خواستگار مناسب، نیافتن فرد مناسب، خواستگار نداشتن، نیافتن فرد مناسب، نارضایتی از وضعیت کنونی اقتصادی و اجتماعی، نداشتن موقعیت خوب، شرایط پیش نیامده، موقعیت مناسب ازدواج نبوده، مناسب نبودن گزینه‌های پیش رو از لحاظ خانوادگی، شخص متناسب با ایده‌هایش پیدا نکرده
اختلاف سلیقه	عدم دخالت پدر و مادر، اختلاف سلیقه در خانواده، اعتقادات پدر و مادر، دخالت نابه‌جای اطرافیان، مسائل خانوادگی
هزینه‌های اقتصادی	مسائل اقتصادی، موانع اقتصادی، اقتصاد معیشتی، مشکلات اقتصادی، بیچارگی، هزینه‌های ازدواج، نبود مسکن، نداشتن شغل، نبود استقلال مالی
سخت‌گیری خانواده	سخت‌گیری پدرش، سخت‌گیری بیش‌ازحد والدین، خانواده به نظر ایرادگیر می‌آمدند، سخت‌گیری خانواده، سخت‌گیری
مشکلات فرهنگی	فقر فرهنگی، آداب و رسوم قسومی، زندگی در جامعه‌ای با تفاوت‌های فرهنگی و عقیدتی کاملاً متضاد، عدم تناسب مالی اجتماعی و سیاسی، مشکلات فرهنگی، عدم اعتقاد به ساختارهای سنتی
مسئولیت داشتن در خانواده	فوت زودهنگام مادر، مراقبت از پدر پیر، سرپرست خانواده بودن، پرستاری از پدر و مادر، به علت کمک‌حال بودن برای پدر و مادر، احساس مسئولیت در مقابل پدر و مادر، مسئولیت‌پذیری وجود ندارد، نگهداری از مادر سالخورده، معلولیت برادر
تأخیر انداختن ازدواج	دیر به فکر ازدواج افتادن، عدم ازدواج در سن ازدواج، ازدواج نکردن خواهر و برادر بزرگ‌تر، تأخیر انداختن ازدواج دختر

ساختار (مناسبت بیرونی)

کوچک‌تر به خاطر دختر بزرگ‌تر، دید منفی نسبت به ازدواج داشتن، عدم اجبار به ازدواج، توصیه افراد متأهل مبنی بر لذت بردن از دوران مجردی و ازدواج نکردن زود علی‌رغم اینکه خودشان ازدواج کردن و لذت بردن، اشتغال بیش‌ازحد به کار و درس، تأخیر برای آن‌ها معنا ندارد		
دلایل شخصی، معلوم نیست، مشخص نیست، دقیقه نمی‌دانم، نگفتند، اطلاعی ندارم، نمی‌دانم	دلایل مبهم	
مسائل اجتماعی، مشکلات اجتماعی، عدم جایگاه اجتماعی خوب خانواده، موانع اجتماعی، نداشتن زندگی آرام، پیشرفت در زندگی اجتماعی، اجتماعی	جایگاه اجتماعی خانواده	
اعتیاد فردی از خانواده	اعتیاد	
زندانی بودن فردی از خانواده به‌ویژه پدر، سوء پیشینه پسر	زندانی	
فراهم بودن امکان لذت بردن برای پسرها به‌راحتی بدون تن دادن به ازدواج، تنوع طلبی	فضای باز برای فرآورده شدن نیاز جنسی مردان	

پرسش سوم: از نظر پاسخگویان ازدواج به هنگام را با چه راهبردهایی می‌توان مدیریت کرد؟ راهبردهایی که پاسخگویان برای کنترل و اداره مسئله ازدواج و زمان آن به‌کار برده‌اند، تحت عنوان "راهبردهای ازدواج به‌نگام" مقوله‌بندی شده است (جدول شماره ۴).

جدول ۴- راهبردهای ازدواج مناسب و به‌موقع

مفهوم اصلی	مفهوم جزئی	داده‌های کیفی در متن پاسخ‌ها	
ازواج مناسب	قدرت درک متقابل	شناخت کافی - تعیین توقعات و معیارهای خود- با چشم‌باز ازدواج کردن - منطق و عقل جای احساس را بگیرد ۷۰ درصد عقل حاکم باشد، ۳۰ درصد عشق. مشخص نمودن هدف زندگی آینده	
	مهارت اداره زندگی مستقل	سعی برای به دست آوردن شغل مناسب - رشد عقلانی مناسب - وام را زیاد کنند	
	شجاعت	اعتماد داشتن - ترس از رابطه	
	حمایت خانواده‌ها نه دخالت	کم شدن دخالت‌ها - حمایت خانواده از پسرها	
	همگونی فرهنگی	فرهنگ خانواده - بر موارد نسبت موجه بیشتر فکر کنیم - ارتقای فرهنگ اجتماعی - رفع موانع فرهنگی	
	سادگی	ساده گرفتن امر ازدواج - مهریه کمتر	



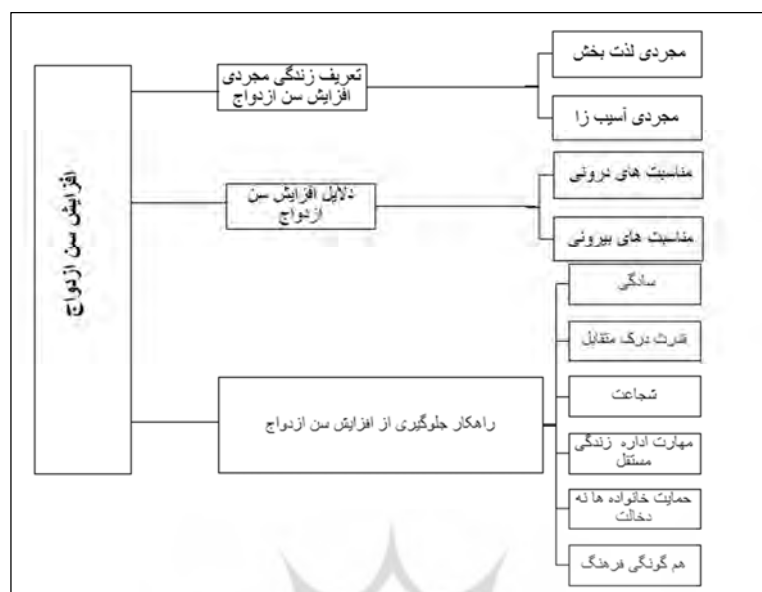
فرضیه‌های پژوهش

- ۱- مجردی لذت‌بخش در جامعه با افزایش سن ازدواج رابطه مستقیم دارد.
مجردی لذت‌بخش ← (+) افزایش سن ازدواج
- ۲- مجردی آسیب‌زا در جامعه با افزایش سن ازدواج رابطه مستقیم دارد.
مجردی آسیب‌زا ← (+) افزایش سن ازدواج
- ۳- به نظر می‌رسد مناسبت‌های درونی از دلایل افزایش سن ازدواج باشد.
- ۴- به نظر می‌رسد مناسبت‌های بیرونی از دلایل افزایش سن ازدواج باشد.
- ۵- سادگی در ازدواج با افزایش سن ازدواج ارتباط معکوس دارد.
سادگی در ازدواج ← (-) افزایش سن ازدواج
- ۶- قدرت درک متقابل در ازدواج با افزایش سن ازدواج ارتباط معکوس دارد.
قدرت درک متقابل در ازدواج ← (-) افزایش سن ازدواج
- ۷- شجاعت برای اقدام ازدواج با افزایش سن ازدواج ارتباط معکوس دارد.
شجاعت برای اقدام ازدواج ← (-) افزایش سن ازدواج
- ۸- مهارت اداره زندگی مستقل با افزایش سن ازدواج ارتباط معکوس دارد.
مهارت اداره زندگی مستقل ← (-) افزایش سن ازدواج
- ۹- حمایت خانواده نه دخالت در ازدواج با افزایش سن ازدواج ارتباط معکوس دارد.
حمایت خانواده نه دخالت در ازدواج ← (-) افزایش سن ازدواج
- ۱۰- همگونی فرهنگی در ازدواج با افزایش سن ازدواج ارتباط معکوس دارد.
همگونی فرهنگی در ازدواج ← (-) افزایش سن ازدواج

مدل نظری

در این مرحله، مدل نظری برای تبیین افزایش سن ازدواج، در نمودار شماره ۱ نشان داده شده

است:



نمودار ۱- الگوی به دست آمده

نتیجه گیری، دستاوردها و پیشنهادها

با گذر از مرحله سنتی و جمع گرا به مرحله مدرنیته و فردگرا، شاهد افزایش سن ازدواج (خصوصاً در میان بانوان) هستیم. نظر به اهمیت ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج جوانان در کشور، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد نظریه بازکاوی به تحلیل مقایسه ای پرداخته است. در این بررسی دیدگاه ۱۲۱ دانشجوی دختر مجرد که ۷۹.۹ درصد بیکار هستند، و دامنه سنی آن‌ها ۲۰ تا ۲۶ سال است مورد واکاوی قرار گرفته است و سایرین در دیگر رشته‌ها مشغول به فعالیت هستند. سن پدر این گروه هنگام ازدواج از ۱۷ تا ۳۳ سال و سن مادر آن‌ها ۱۲ تا ۳۳ بوده است. ۷۵ درصد وضعیت اقتصادی متوسط دارند.

بخشی از پاسخگویان، زندگی مجردی را "موقتی، بی هدف، افسردگی آور، اضطراب آفرین، تنش زا همراه با احساس سر بار بودن و کمبود عاطفی" می دانند که این احساسات در این بررسی تحت عنوان "مجردی آسیب زا" نامیده شده است. گروه دوم احساساتی نظیر "آزادی، استقلال، داشتن انگیزه کار و فعالیت، رضایت از زندگی، آرامش و موفقیت" دارند که تحت عنوان "مجردی لذت بخش" جای گرفته است.



برخی از کارشناسان معتقدند که فاصله آرمان‌ها و واقعیات در کشور ایران بیش از هر کشوری است. نتیجه این که دختر و پسر با ورود به زندگی مشترک با واقعیت‌هایی مواجه می‌شوند که با تصویر آرمانی آنان فاصله دارد و این خود نقطه آغاز ناملایمات زندگی و اختلافات زناشویی است (قلی زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۱). بر اساس نظریهٔ بحران ارزش‌ها، گذار از سنت به مدرن بسیاری از روابط اجتماعی و فردی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. مشخصهٔ این گذار، تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و مطلوبیت‌ها و مقبولیت‌های اخلاقی و ارزشی جامعه است. در خانوادهٔ سنتی ارزش‌ها مشخص است و افراد به آن‌ها پایبند هستند، اما در جامعهٔ مدرن ارزش‌ها تغییر کرده و درعین حال نامشخص و غیر معین، و به‌نوعی نسبی است و از این رو بلا تکلیفی در ارزش‌ها و پایبندی به آن‌ها وجود دارد. بحران ارزش‌ها در همهٔ سطوح جامعه تأثیرگذار است. این مسئله به‌ویژه در خانواده مسائل و مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند. بدین معنا که حرکت هر جامعه از صورت سنتی به سوی جامعه صنعتی، درعین حال که موجبات بسط فناوری را فراهم می‌سازد، ولی کاهش اهمیت خانواده را موجب می‌گردد" (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۵۲ - ۵۳). به همین دلیل سن ازدواج افزایش می‌یابد.

شرکت‌کنندگان پژوهش برای کمک به ازدواج بهنگام "سادگی در ازدواج، قدرت درک متقابل در ازدواج، شجاعت برای اقدام ازدواج، مهارت ادارهٔ زندگی مستقل، حمایت خانواده نه دخالت در ازدواج و همگونی فرهنگی" را مؤثر می‌دانند. در این پژوهش، سادگی در ازدواج، قدرت درک متقابل در ازدواج، شجاعت برای اقدام به ازدواج، مهارت اداره زندگی مستقل، حمایت خانواده نه دخالت در ازدواج و همگونی فرهنگی از جمله ارزش‌هایی است که امروزه دچار تغییر گشته است. واقعیت‌گرایی (رؤیایی نبودن و توقعات رؤیایی نداشتن) و قناعت نسبت به داشته‌های موجود و هردو از جمله ارزش‌هایی هستند که به فراموشی سپرده شده است. در دنیای مدرن که مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری از پایه‌های اساسی آن است، افراد به سبقت بر زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی دعوت می‌شوند. این شرایط افراد را از واقعیات دور کرده و به آرمان‌ها فرامی‌خواند. این آرمان زدگی در توقعات مادی زنگ خطری برای استحکام زندگی است. آرمان‌گرایی در تکامل و سبقت در رسیدن به کمالات انسانی و معنوی ارزش محسوب می‌شود، اما مسابقه در امور مادی افراد را از رسیدن به کمال انسانی بازمی‌دارد. آرمان زدگی به معنای نگاه افسانه‌ای و غیرواقع‌بینانه به زندگی می‌تواند به افزایش سطح انتظارات و یاس و سرخوردگی بینجامد.

از سوی دیگر، با توجه به داده‌ها، دلیل تأخیر ازدواج دختران مجرد را می‌توان به دو مفهوم اصلی "مناسبت درونی" و "مناسبت بیرونی" محدود دانست. جامعه‌شناختان مناسبیت درونی را عاملیت و مناسبیت بیرونی را ساختار می‌نامند. مناسبیت درونی با مفاهیم جزئی "ایدئال‌گرایی، خودرایی، سخت‌پسندی، وسواس، بی‌ارادگی، بدبینی به اجتماع، ادامه تحصیل، ترس از رابطه جنسی، عدم تمایل به ازدواج، ترس، تجربه تلخ، عدم بلوغ فکری، عدم بلوغ عاطفی، نرسیدن به تفاهم، معاشرت‌های ناموفق، روابط محدود با جنس مخالف، بیماری و ظاهر" مرتبط است. مناسبیت بیرونی با مفاهیمی همچون "نبود خواستگار، اختلاف‌سلیقه، هزینه‌های اقتصادی، سختگیری خانواده، مشکلات فرهنگی، مسئولیت داشتن در خانواده، تأخیر انداختن ازدواج، دلایل مبهم، جایگاه اجتماعی خانواده، اعتیاد، زندان و فضای باز برای برآورده شدن نیاز جنسی مردان" به‌دست آمده است. پژوهشگران نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند برخی هم‌سو با این پژوهش هر دو بعد را مدنظر قرار می‌دهند. التجائی و عزیززاده (۱۳۹۵)، اشاره دارند برای حل يك مسئله اجتماعی به نام افزایش سن ازدواج، باید به بهبودی شرایط اقتصادی به شکل کاهش تورم و بیکاری همت گماشت. رستگار خالد، رحیمی و عظیم (۱۳۹۴)، دریافتند عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بر مسئله دیررسی ازدواج تأثیر دارند که از این میان، تأثیرگذاری مستقیم عامل فرهنگی، بیش از سایر عوامل بوده است که به تبع آن، هویت خاصی در جامعه شکل گرفته که تأثیر بسزایی بر تحقق ازدواج جوانان دارد. نیازی، شاطریان و شفائی مقدم (۱۳۹۴)، نیز اشاره داشتند متغیرهای خانواده، وضعیت اقتصادی، افزایش توقعات، بیکاری، سنگینی مخارج ازدواج، انحرافات اجتماعی و اخلاقی، کارکرد نامناسب رسانه‌ها، ترس از آینده و تضعیف باورهای دینی با متغیر نگرش منفی به ازدواج رابطه معنادار وجود دارد. پور کتابی و غفاری (۱۳۹۰) و قائمی زاده و رسولی (۱۳۹۳)، تأثیر عوامل اجتماعی و ضربی و مصطفوی (۱۳۹۰) عوامل اقتصادی حائز اهمیت دانسته شده است که از یک جنبه با این پژوهش هم‌سو است. اما کمتر پژوهشی مانند این پژوهش به اهمیت خود فرد در کنار اهمیت عوامل کلان اذعان دارند. چنانچه آقاسی و فلاح مین باشی (۱۳۹۴)، به‌صراحت اعلام می‌کنند جوانان به دلایل مختلف از مبادرت به ازدواج دوری می‌کنند و پدیده تأخیر در سن ازدواج نه در حکم امری شخصی، بلکه به‌منزله مسئله‌ای اجتماعی نمود یافته است.



دستاورد اصلی پژوهش حاضر توجه توأم بر اندیشه عامل و ساختار جامعه است و سیاست‌گذاری صرف بر مبنای پیش‌اندیشه‌های غیراستاندارد بی‌شک غیرقابل جبران خواهد بود. از آنجاکه یافته‌های پژوهش حاضر در مرحله فرضیه‌سازی برای زنان متوقف شده است، لذا برای تعمیم‌پذیری، تکرار مصاحبه‌ها در گروه‌های مختلف من جمله مردان دارد، ضمن آن‌که بررسی تفاوت‌های نگرشی قومیتی نیز پیشنهاد می‌شود.



منابع فارسی

- ۱- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی چاپ اول تهران: انتشارات سمت.
- ۲- آقاسی، محمد و فلاح مین باشی، فاطمه (۱۳۹۴). نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده. فصلنامه پژوهش نامه زنان، سال ششم، شماره ۲، تابستان صص ۲۱-۱
- ۳- التجانی، ابراهیم و مینا عزیز زاده (۱۳۹۵). بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان استانی. فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۳، صص ۲۳-۱
- ۴- اعزازی، شهلا (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران.
- ۵- استراس، آنسلم، جولیت کوربین (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها). بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۶- انگلس، فریدریش (۱۳۷۵). منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، م احمدزاده، [بی‌جا. بی‌نا].
- ۷- پورکتایی، حبیب و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، "تخصیلات، جوانان و دیررسی ازدواج (مطالعه موردی: شهرستان گیلانغرب)". دومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، سالن همایش های دانشگاه تهران.
- ۸- جمیلی کهنه شهری، فاطمه (۱۳۸۰). "آسیب‌شناسی نظری و روشی مطالعات تقسیم کار خانگی: به سوی یک رویکرد روش شناختی"، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال یازدهم، شماره ۳۷ و ۳۸.
- ۹- دواس، دی. ای (۱۳۸۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، هوشنگ نایی، تهران: نشر .
- ۱۰- دورکیم، امیل (۱۳۷۸). خودکشی، نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۱- سلیگمن، مارتین (۱۳۸۹). روان‌شناسی مثبت‌گرا در خدمت خشنودی پایدار، مصطفی تبریزی، رامین کریمی و علی نیلوفری، تهران: نشر دانژه.
- ۱۲- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۳- رستگار خالد، امیر؛ رحیمی، ماریا و هاجر عظیمی (۱۳۹۴). نگرش سنجی پدیده دیررسی ازدواج (مورد مطالعه: شهر ایلام). فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، سال چهارم، شماره ۴، زمستان، صص ۶۸۵-۷۰۶
- ۱۴- زینال زاده چینی بلاغ، حسین و همکاران (۱۳۹۴). نیمرخ سلامت روان در زنان مجرد و متأهل ۳۰ تا ۴۵ ساله شاغل در دانشگاه علوم پزشکی شهر تبریز. فصلنامه زن و جامعه، شماره ۲۳، پاییز، صص ۱۳-۲۴.
- ۱۵- سفیری، خدیجه و شهانواز، سارا (۱۳۹۴). بررسی تجرد و هویت با استفاده از نظریه زمینه‌ای. نشریه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳، زمستان صص ۳۷-۹
- ۱۶- صادقی فسایی، سهیلا؛ فرهمند، مریم؛ بختیاری، آمنه؛ بلالی، اسماعیل، محمدی، محمد علی؛ تراهی، محمد (۱۳۸۶). فمینیست و خانواده، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.



- ۱۷- ضرابی، وحید و سید فرخ مصطفوی (۱۳۹۰)، "بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران (یک رویکرد اقتصادی)"، نشریه اقتصاد، پژوهش های رشد و توسعه ی پایدار، شماره ۴: ۱۷-۴۵.
- ۱۸- فولادی، محمد (۱۳۹۳). تحلیل جامعه شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی. فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲۰، پاییز. ص ۷۷
- ۱۹- کشاورز حداد، غلامرضا و قدسی قاراب، محمد (۱۳۹۳). برابری دستمزد مردان و تمایل به ازدواج زنان در ایران. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۵۹، تابستان صص ۷۳-۱۱۶.
- ۲۰- قلی زاده، آذر، بانکی پور فرد، امیر حسین، مسعودی نیا، زهرا (۱۳۹۳). مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۶، شماره پیاپی (۵۷). بهارصص: ۳۹-۶۴
- ۲۱- محبی سیده فاطمه، سیاح، مونس و شیما سادات حسینی (۱۳۹۵). دلالت های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجوی. فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره ۱۹، تابستان صص ۲۵۱-۲۷۴
- ۲۲- مهربانی، وحید (۱۳۹۳). تحلیل اقتصادی تصمیم گیری برای سن ازدواج. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۶۵، پاییز، ص ۶۹.
- ۲۳- موسوی بفرولی، محسن (۱۳۸۷). بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، به راهنمایی دکتر مسعود چلبی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۴- میشل، آندره (۱۳۵۴). جامعه شناسی خانواده و ازدواج، فرنگیس اردلان، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- ۲۵- مرکز آمار ایران
- ۲۶- نیازی، محسن؛ شاطریان، محسن و الهام شفقانی مقدم (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان). فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، سال ششم، شماره ۲، ۲۷-۵۸

منابع انگلیسی

1. Aghasi, M., FallahMinbashi, F. (2015). The Attitudes of Iranian Youth towards Marriage, Marriage Partner Selection and Forming a Family. Quarterly Journal of Women's Researches Journal, 6(2), 1-21 (Text in Persian).
2. Andreh M. (1975). Family and Marriage Sociology, Farangis Ardalan, Publications, Faculty of Social Sciences and Cooperatives, University of Tehran (Text in Persian).
3. Arch bold, P. (2006). "World Happiness
4. Assaf, S.H. , Stephanie C.H.(2013). Domestic Violence Against Single, Never married Women in the Occupied Palestinian Territory. Violence Against Women, 19(3), 422-441.
5. AzadArmaki, T. (2007). Sociology of the Iranian Family ,Tehran: Samt Publications (Text in Persian).

6. Devaus, D. A.(2007). Scrolling in Social Research, Hooshang Nayibi, Tehran: Publication(Text in Persian).
7. Diener, E. Diener, M. & Diener, G. (1995). "Factors predicting the subjective well-being (Happiness and life satisfaction)". A printer report and new comers. <http://www/s.psych.uivc.edu/a-ediener/fag.html>.
8. Durkheim, E.(1999). Suicide, Nader Salarzadeh Amiri, Tehran: Allameh Tabatabaei University Press(Text in Persian).
9. Eltejaee, E., Azizzadeh, M. (2016). A survey on Economic and Cultural Determinants of Marriage Age in Iran: a Cross-Province Study. Sociological Cultural Studies, 7(3), 1-19(Text in Persian).
10. Engels, F.(1996). Family origin, private property, and government, Ahmadzad, Bija Publications (Text in Persian).
11. Ezazi, SH. (2008). Sociology of family, Tehran: Roshangar Publications(Text in Persian).
12. Ferguson S J. (2000) challenging traditional marriage: Never Married Chinese American and Japanese American Women. Gender & Society, February 2000; vol. 14, 1: pp. 136-159
13. Fincham, F. D. (2009). "Marital Happiness". Florida State University. www.chs.fsu.edu.
14. Fouladi, M. (2014). Sociological analysis of increasing the age of marriage, with an emphasis on cultural factors. Social-cultural epistemology, 20, 77(Text in Persian).
15. Gholizadeh, A., Bankipourfard, AH., Masoudinia, Z. (2014). Qualitative study of the experiences of divorced men and women from the cultural factors behind the divorce, Applied Sociology, Year 26, Issue Number (57). Bahar Sass: 39-64(Text in Persian).
16. Hacker D.(2006). Economic demographic and thematic correlates of first marriage in the mid nine tenth century. U.S.
17. Iranian Center for Statistics
18. Jamili KohenehShahri , F. (2001). "Theoretical Pathology and a Method for the Study of the Division of Domestic Work: towards a Methodological Approach", Journal of Al-Zahra University of Science (Sciences), 11(37 , 38) (Text in Persian).
19. Jupp, V. (2006). The Sage dictionary of social research methods. London; Thousand Oaks, Calif.: Sage Publications.
20. Kamp Dush, C. M., & Amato, P. R. (2005). Consequences of relationship status and quality for subjective well-being. Journal of Social and Personal Relationships, 22, 607-627.
21. Keshavarz Haddad, GH. & Ghodsi Qharbab, M. (2014). Equal pay for men and the desire to marry women in Iran. Iranian Journal of Economic Research, 59, 73-116(Text in Persian).
22. Koropecj-Cox, T. (2005). Singles, society, and science: Sociological perspectives. Psycho-
23. logical Inquiry, 16, 91-97.
24. Lucas, R.E., Dyrenforth, P.S. (۲۰۰۵). The myth of marital bliss? Psychological Inquiry, 16,111.
25. Mehrabani, V. (2014). Economic analysis of decision making for marriage age. Strategic Strategic Studies Journal, 65, 69(Text in Persian).



26. Mohebbi, S.F, Sayyah, M. and Hosseini SH(2015). Semantic Implications of Student Girls' Marriage Delinquency. *The History of Culture at Islamic University*, 19, 251-274(Text in Persian).
27. Mousavi Befrouie, M. (2008). Sociological study of the factors affecting happiness at micro and macro levels, The dissertation of the expert in social research, directed by Dr. Masoud Chalabi, Shahid Beheshti University(Text in Persian).
28. Mug ford, S., Lally, J. (1981). "Sex, Reported Happiness. And the Well-Being of Married Individuals: A Test of Bernard's Hypothesis in an Australian Sample". *Journal of Marriage and Family*. Vol. 43. No. 4. pp. 969-975. Http: // www. Jstor. Org.
29. Neckerman, K. (2004). *Social Inequality*, New York: Russell Sage Foundatio115.
30. Neyasi, M. , Shahriyan, M. & Shafai Moghadam, E. (2014). Investigating the Effective Social, Cultural, and Economic Factors Affecting the Negative Attitude toward Marriage (Case Study of Citizens of Kashan). *Quarterly Journal of Cultural Sociology*, 6(2)27-58(Text in Persian).
31. Oladipo, K. (2011). *Why People Have Delayed Marriage*, Xlibris, United Kingdom
32. Pinquart, M. (2003). Loneliness in married, widowed, divorced, and never-married older adults. *Journal of Social and Personal Relationships*, 20, 31–53.
33. Pourketabi, H. , Ghaffari, Gh. (2011), "Education, Youth and Obsessed Marriage (Case Study: Gilan-e-Gharb)". Second National Conference on Sociology and Social Sciences, Conference Hall, University of Tehran(Text in Persian).
34. Rastegar Khaled, A., Rahimi, M., Azimi, H. (2015). the study of factor affected on late marriage (case:ilam). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 4(4), 685-706 (Text in Persian).
35. Ritzer, G. (1374). *Theory of Sociology in Contemporary*, Mohsen Sallati, Tehran: Scientific Publications(Text in Persian).
36. Sadeghi Fasaee, S, Farahmand, M, Bakhtiari, A, Bilali, Ismail, M, Terahi, M. (2007). *Feminist and Family*, Tehran: Public Relations of the Women's Cultural-Social Council(Text in Persian).
37. Safiri, KH. , Shahanavaz, S. (2015). Investigation of Abstraction and Identity Using the Background Theory. *Publication of Socio-Cultural Development Studies*, 4(3), 9-37 (Text in Persian).
38. Seligman, M. (2010). *Positive Psychology in the Service of Sustainable Pleasure*, Mostafa Tabrizi, Ramin Karimi and Ali Niloofari, Tehran: Danjeh Publishing(Text in Persian).
39. Simon, B. (1986) Never-Married Women as Caregivers to Elderly Parents: Some Costs and Benefits. *Affilia*,; vol. 1, 3: pp. 29-42.
40. Simpson ,R. (2015). Ingleness and self-identity: The significance of partnership status in the narratives of never-married women. *Journal of Social and Personal Relationships*, vol. 33, 3: pp. 385-400.
41. Soons, J. P. M., Liefbroer, A. C. (2008). Together is better? Effects of relationship status and resources on young adults' well-being. *Journal of Social and Personal Relationships* 25,604–625.

42. Strauss, A., Corbin, J. (2008). Principles of Qualitative Research Method (Basic Theory of Procedures and Practices). Biouk Mohammadi, Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies (Text in Persian).
43. Stutzer, A., Burno, S. (2004). "Does marriage make people happy or do happy people get married?". Journal of socio- economics 35: 356-347. Wwww. Elsevier.com
44. Sussman, B; Steinmets, S.K (2013). Handbook Of Marriage and the Family, New York: Plenum.
45. Vidican, S.. (2011). "The effects of marriage on happiness and depression". <http://www.metrolic.com>.
46. Wilcox, W. (2011). "Feminism and Marital Happiness". Department of Sociology, University of Virginia.
47. Zarabi, V., Mostafavi S.F.(2011), "Investigating the Factors Affecting the Age of Women's Marriage in Iran (An Economic Approach)", Journal of Economics, Sustainable Growth and Development Research, 4, 17-45 (Text in Persian).
48. Zeinalzadeh ,A. , Esmaillopour, KH. , Alipoorgourand, B. , Baydarrodi, E.(2015). Mental Health Profile in Single and Married Women 30 to 45 Years Old in Tabriz University of Medical Sciences. Women and Society Quarterly Journal, 23, 13-24 (Text in Persian).
49. Zhang, Z., Hayward, M.D. (2001). Childlessness and the psychological well-being of older parents. Journal of Gerontology, Social Sciences, 56B, S311-320.



Investigation of the reasons for delayed marriage from the viewpoint of female students in Tehran

Mansore Zarean¹

Abstract

The age of marriage can be examined from two viewpoints. On the one hand, the issue is the minimum age for marriage and on the other hand, the increase in the age of marriage. The present study aims to investigate the causes of increase in the age of marriage from the perspective of single young women using a sociological approach and to analyze their views. The research process is qualitative content analysis and is a ground-based analysis, based on the respondents' responses. The sample population is students at Tehran state universities in different educational levels which is stopped by reaching the theoretical saturation. The credibility of the findings is obtained through the receipt of comments from some respondents and their approval. The results show that participants divide single life into "damaging" and "enjoyable" types. The reasons for delaying single women can be limited to the two main concepts of "inner occasion" and "external occasion". Respondents consider "simplicity in marriage, the power of mutual understanding in marriage, the courage to practice marriage, the ability to manage independent living, family support and not family interference, and marital intercourse and cultural integration" as being effective in well-timed marriage. Few studies acknowledge the importance of the individual, along with the importance of macro factors as does the present study and consider the phenomenon of delaying of the age of marriage not a matter of personal conduct, but as a social affair.

Key word. "Personal Occupation," "Social Issue," "Delay in Marriage", " Harmful life Single " "Unique Pleasure."

¹ Assistant Professor ,Alzahra University (SA) (M.zarean@Alzahra.ac.ir)

Submit Date: 2017/4/12

Accept Date: 2017/11/13